

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهرا
سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۸، پیاپی ۹۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

دوسوگرایی جامعه‌شناختی در دوران ناصرالدین شاه قاجار از منظر سفرنامه‌ی «ایران و قضیه‌ی ایران» لرد کورن با رویکرد شرق‌شناسی

فاطمه جمیلی کهنه شهری^۱
زینب نادی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۶

تاریخ تصویب: ۹۲/۲/۳۱

چکیده

«خود» و «دیگری» یک مفهوم دائمی است که همواره «خود» برای درک پیرامون با ایجاد یک «دیگری» سعی دارد که «هستی» را معنی کند؛ با چنین منظری در این مقاله می‌کوشیم به ناسازگاری انتظارات هنجاری در قالب مفهوم دوسوگرایی جامعه‌شناختی بپردازیم که منشاء بسیاری از مشکلات اجتماعی است و ریشه در شرایط تاریخی جامعه دارد.

به رغم دیدگاه‌های استعماری سفرنامه‌نویسان و شرق‌شناسان انگلیسی از دوران قاجار، شناسایی و دسته‌بندی رفتارهای اجتماعی از منظر یک بیگانه، زمینه‌ی نسبتاً مناسبی برای دریافت خاستگاه اجتماعی ناسازگاری‌های هنجاری در اختیار پژوهش‌های جامعه‌شناسی-تاریخی قرار می‌دهد. در این

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا. ffamily@alzahra.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا. nadi200980@yahoo.com

میان از نگاه یک شرق‌شناس و سفرنامه‌نویس به نام جورج کرزن به ریشه‌یابی این مسئله در دوره‌ای از سلطنت ناصرالدین شاه قاجار می‌پردازیم. جامعه‌ی آماری مشتمل بر ده سفرنامه‌ی انگلیسی است که در دوره ناصرالدین شاه قاجار به نگارش درآمده است. در این میان سفرنامه‌ی جورج کرزن با نام **ایران و قضیه‌ی ایران** برای نمونه بررسی شده است. بر اساس دیدگاه مرتون و با بهره‌برداری از رویکرد روشی نوع‌شناسی و فنون بررسی تاریخی و تحلیل محتوای کیفی، انواع دوسوگرایی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در سفرنامه‌ی مذکور مورد شناسایی قرار گرفته و بستر اجتماعی آن بررسی شده است.

نتایج بیانگر آن است که رفتار منحرفانه (دوسوگرایی روان‌شناختی) که برخاسته از نوع پنجم دوسوگرایی جامعه‌شناختی (تعارض میان ساختار فرهنگی و اجتماعی) است، بیشتر از انواع دیگر آن در سفرنامه کرزن مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین، شیوع رفتار مقلدانه، به‌ویژه از سبک زندگی غربی که به نوع ششم دوسوگرایی جامعه‌شناختی نسبت داده می‌شود، بیشتر در میان طبقات بالا و در عرصه‌ی فرهنگی - سیاسی، در این سفرنامه دیده شده است.

واژگان کلیدی: شرق‌شناسی، دوسوگرایی جامعه‌شناختی، دوسوگرایی

روان‌شناختی، نوع‌شناسی مرتون، دوران ناصری، سفرنامه‌ی لرد کرزن.

مقدمه

رویکرد تاریخی و اجتماعی محور، نشان می‌دهد که اجتماعات انسانی، از دوره‌ی به وجود آمدن تاکنون همواره و به صورت مستمر با یک دستگاه منسجم شناختی در پی ایجاد «دیگری»ها هستند. دیگری، به معنای بیگانه و نا آشنا با «خود» است که به تعامل، تقابل و تخصم با وی خواهد رسید

(سعید، ۱۳۷۱: ۸۲-۹۰). ایجاد دو آلیسم «خود و دیگری» هیچ گاه به صورت قطعی دارای الگو نبوده است و نمی توان با یک روش خاص به فرآیند ساخت «دیگری» توجه کرد. مؤلفه های جغرافیایی، زمانی، فرهنگی، نژادی، رنگی، قومی، ملیتی و... تنها چند نمونه ی برجسته از دستگاه معنایی «دیگری» هستند (فکوهی، ۱۳۸۸: ۱۸)؛ به این ترتیب گاهی اوقات «خود»ها هم زمان هستند، گاهی هم مکان و گاهی هم نژاد و... به عنوان مثال مردم یک سرزمین، اجداد تمدنی خویش را بدون داشتن مؤلفه ی هم زمانی و هم مکانی و... از «خود» می دانند؛ در صورتی که مردمان یک فرهنگ دیگر را با وجود هم زمانی و مرز سرزمینی مشترک «دیگری» می پندارند (همان).

اگر چه اندیشمندانی همچون فوکو و سعید در مباحثی که در مورد شناخت خود و دیگری داشته اند بیشتر بر موضوع شناخت «خودی» متعالی تأکید داشته اند که قصد شناخت «دیگری» فروتر را دارد، اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که شناخت خود از منظر دیگری، یکی از پارادایم های مهم در علوم اجتماعی را به خود اختصاص می دهد، چنانکه در نظریات مربوط به کنش متقابل نمادین، تأکید بر شناختی است که انسان از خودش توسط دیگران به دست می آورد و در اصل نگاه به خود از منظر دیگران از جمله مراحل در فرایند اجتماعی شدن است (ریتزر، ۱۳۸۷: ۱۸۵ - ۱۹۰). در حقیقت خود و دیگری به عنوان یک دستگاه شناختی همواره در ادبیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی انسان وجود داشته است و ما همچنان از آن در جهت شناخت خودمان و دیگران بهره می بریم. یکی از زمینه های بسیار خوبی که برای شکل گیری و استفاده از چنین دستگاهی فراهم می شود سفرکردن و به تصویر کشیدن مردمان کشور مقصد توسط سفرنامه نویسان است که به صورت مقایسه بین فرهنگ خود و دیگری شکل می گیرد (انصاف پور، ۱۳۶۳: ۱۸ و ۱۹).

در این مقاله می کوشیم به تصویر کشیده شدن ایرانیان را توسط سفرنامه ی «جرج ناتانائیل کرزن» پی بگیریم؛ سفرنامه نویسی که انگیزه اش را از نوشتن ۱۴۰۰ صفحه سفرنامه ای که حجم زیادی از اطلاعات مربوط به یکی از مهم ترین دوران تاریخ ایران، یعنی قاجار را در خود دارد، چنین بیان می کند:

«ترجیح می‌دهم پدیدآورنده‌ی اثری سیاسی باشم که فراخور سلیقه‌ی طبقه‌مطلع باشد، نه سفرنامه‌ای که در نزد عموم مورد پسند واقع شود» (کرزن، ۱۳۸۷: ۲۲). البته نمی‌توان از نقش کرزن در تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی تاریخ ایران در دوره‌ی پس از جنگ جهانی اول (قرارداد ۱۹۱۹م) که منتهی به سقوط قاجاریه و به قدرت رسیدن خانواده‌ی پهلوی شد و در مجموع نقش منفی و استعماری وی به دلیل اهمیت بسیاری که در انعقاد قراردادهای استعماری و پیگیری سیاست سلطه بر ایران داشت غافل ماند، به حدی که ارزش تاریخ‌نگاری وی را تحت‌الشعاع چهره‌ی استعماریش قرار داده است (اسناد وزارت خارجه، ۱۳۷۰: ۴ و ۵)؛ به همین دلیل اغراق نیست اگر بگوییم نقش و جایگاه انگلستان در تاریخ روابط خارجی ایران قابل قیاس با دیگر دولت‌ها نیست، به گونه‌ای که این روابط بر اوضاع داخلی و روابط خارجی کشور ایران، به‌ویژه در دو سده‌ی اخیر به میزانی گسترده است که می‌توان از آن به عنوان پارامتری تأثیرگذار و بی‌رقیب در این حوزه نام برد (نائیان، ۱۳۷۲: ۱۸). البته چنین سیاست‌هایی به نظر باران^۱ که از نظریه‌پردازان مکتب وابستگی است، برای کشور انگلستان که در پی تسهیل سلطه‌ی استعماری خود در کشورهای جهان سوم بوده است امری طبیعی است (سو، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

در این میان برای پرداخت بهتر و جلوگیری از سردرگمی در میان مجموعه‌ی به نسبت عظیمی از اطلاعات ارائه شده در این سفرنامه، موضوع پژوهش را نگاه کرزن به دوسوگرایی ایرانیان قرار داده‌ایم؛ مسئله‌ای که اکنون به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی ما آشکارا دیده می‌شود. دوسوگرایی^۲ در دایره‌المعارف جامعه‌شناسی، به عنوان تناقض پایا و حل نشده میان احساسات و ایده‌های مثبت و منفی نسبت به یک شخص یا یک وضعیت معرفی شده است (Sharma, 1922:33). کتاب‌هایی که با اهداف مختلف با عنوان سفرنامه در رابطه با جامعه‌ی ایرانی نوشته شده‌اند، همان‌طور که قابلیت‌ها و والایی گوهر ذاتی ایرانیان را ستایش کرده‌اند، در قالب «دیگری» از ما انتقاد کرده‌اند و معایب ما را نیز برشمرده و تشریح کرده‌اند (انصاف‌پور، ۱۳۶۳: ۱۸). از لابه‌لای این گفتارها می‌توان به شناخت جامعه‌ی ایرانی و خاستگاه دوسوگرایی‌های

1. Paul Baran
2. Ambivalence

موجود در آن پی برد، زیرا امروز آبتن وقایع و مسائل فرداست (نفیسی، ۱۳۶۴: ۴). کم نیستند سفرنامه نویسانی چون گوینو که به قضاوت در رابطه با رفتار تمامی ایرانیان پرداخته اند؛ آنجا که می گوید: «ارباب، موجب گماشته خود را نمی دهد و نوکر تا جایی که می تواند ارباب را سرکیسه می کند، از بالا گرفته تا پایین در تمام مدارج و طبقات این مملکت جز حقه بازی و کلاهبرداری بی حد و حصر و بدبختانه علاج ناپذیر چیز دیگری دیده نمی شود» (گوینو، ۱۳۸۳: ۱۲۷). او در جای دیگر می افزاید: غالب این مردم (ایرانیان) آنچه اظهار می دارند غیر از آن است که در حقیقت در دل و فکر دارند، به قول خودشان «زبانشان دگر و دلشان دگر است» (همان). «پولاک» در سفرنامه‌ی خود می نویسد: ایرانی هیچ وقت خواهش یا توقعی را که از او دارند به کلی رد نمی کند، زیرا چنین کاری با خلق و خوی او مغایرت دارد، پس ترجیح می دهد که قول بدهد و بعد به وعده‌ی خویش عمل نکند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۱). «دروویل» می نویسد: (ایرانیان) در برابر پادشاه، خود را مطیع و منقاد نشان می دهند، ولی در باطن دلدادگی خودرأیی (تک‌روی) و استقلال هستند، آن وقت‌هایی هم که چشم دیدن هم را (در هرگونه رقابت شغلی) ندارند، بسیار مؤدب و صمیمی با هم برخورد می کنند (انصاف‌پور، ۱۳۶۳: ۹۴). «کالاسرنا» تعجب خود را از ایرانیان چنین بیان می کند: «تصویر زنانی با صورت باز و بی حجاب روی دیوار نقاشی شده است. مجاز بودن ترسیم این گونه نقش و نگارها که مخالف با آداب و رسوم کشوری است که زنان باید در حجاب و پوشش باشند، سخت جای تعجب است» (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۱۵۲). «فوروکاوا» در نشان دادن دوسوگرایی ناصرالدین شاه در سفرنامه خود چنین داد سخن می دهد: «شاه در میان این مرکب ملازمان و مراقبان سوار بر اسبی با زین و برگ زرکوب در حالی که چپ و راست او هفت، هشت سوار می رفتند، اسب می راند. ملوکانه ترکیب و ترتیبی خوب و شکوهمند داشت، اما لباس فرنگی پوشیده بود، عینک زده و چتر آفتابگیر فرنگی بالای سر نگه داشته بود (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۶۳). به این ترتیب، عدم توجه بسیاری از آنان به ریشه‌های فرهنگی و دینی مردم ایران و دورویی، جاه‌طلبی، ثروت‌اندوزی و فریبکاری پادشاهان (حکیمی، ۱۳۸۸: ۱۶۴) عامل ضررهای فراوان فرهنگی، سیاسی و امنیتی برای ایران می شد. با ذکر شواهد بالا در این پژوهش با نگاهی جامعه‌شناختی این بار به مدد سفرنامه‌ی «جرج ناتانائیل کرزن» معروف به لرد کرزن که به عنوان

یک خبرنگار و دیپلمات و نماینده‌ی استعماری کشور انگلستان به ایران آمده و به زعم مورخان یکی از مهم‌ترین و پرمحتواترین سفرنامه‌ها را در یکی از مهم‌ترین دوران این مرز و بوم به نگارش درآورده، دوسوگرایی در رفتار مردم و حاکمان آن‌ها را در دوران ناصرالدین شاه قاجار که عنوان طولانی‌ترین و پرحادثه‌ترین دوران تاریخ قاجارها را در کارنامه‌ی سیاسی خود دارد، به مدد نظریه‌ی دوسوگرایی جامعه‌شناختی مرتون شناسایی، دسته‌بندی و تحلیل می‌کنیم.

جورج ناتانیل کرزن کیست؟

جورج ناتانیل کرزن، معروف به کرزن کدلستون و دارای القابی چون مارکی، ویسکونت، بارون و ارل، در ژانویه‌ی ۱۸۵۹م در کدلستون در دربی شایر انگلستان در خانواده‌ای اشرافی به دنیا آمد. پدر وی از اسقف‌های نامدار انگلیسی به شمار می‌رفت. وی دوران کودکی خود را تحت آموزش آموزگاری سختگیر سپری کرد. این تجربه گرچه وی را دچار حقد و کینه کرد، اما از وی شخصیتی قدرت‌طلب بار آورد و در عین حال در شکوفایی نبوغ وی نیز به همان اندازه مؤثر بود از همان ابتدا وی را دانش‌آموز و دانشجویی اهل مطالعه و کوشا تربیت کرد (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۱۸). وی در نوزده سالگی عازم آکسفورد شد. جورج در طول پنج سال تحصیل در آکسفورد، با بسیاری از مسائل مهم روز و سیاستمداران زمانش آشنا شد. سخنرانی‌هایش در «انجمن ادبی آکسفورد» و مقالاتی که برای روزنامه‌های لندن می‌نوشت به شناساندن او در محافل بانفوذ، کمک شایانی کرد (همان). کرزن از اشتهار خود برای طی مراحل ترقی و پیشرفت بهره برد و به سرعت به مقام‌های بالای سیاسی دست یافت، به طوری که خیلی زود توجه زعمای حزب محافظه‌کار انگلیس را جلب کرد و بدین ترتیب توانست در سال ۱۸۸۶ وارد مجلس مبعوثان (یکی از مجالس انگلستان) شود (کرزن، ۱۳۸۷: ۳-۵). او در سال ۱۸۸۶م. سفرهای خود را در آسیا شروع کرد و به روسیه، آسیای مرکزی، سیام، هندوچین، کره، افغانستان، پامیر و ایران رفت. حاصل این سفرها نگارش چندین کتاب راجع به کشورهای آسیای میانه و شرقی و سیاست‌های آن‌ها بود. دلیل اصلی او از این سفرها، هدف سیاسی بود و مطالعه‌ی جامع و وسیع وی از کشورهای آسیا توانست در جهت سلطه‌ی انگلیسی‌ها بر منطقه و تداوم استعمار آن‌ها بر هندوستان مفید باشد

(همان). وی در سال ۹۰-۱۸۸۹م (۱۲۶۸ ه.ش) با عنوان ظاهری خبرنگار روزنامه‌ی تایمز به ایران سفر کرد. کرزن علت سفر خود به ایران را در قالب روزنامه نگار با دو علت بیان می کند که عبارت‌اند از:

۱- «به عنوان خبرنگار روزنامه‌ی تایمز منظور عاجلم از رفتن به ایران این بود که بتوانم طی نامه‌هایی که از لحاظ تعداد و تفصیل محدوداند، خلاصه‌ای از وضع سیاسی قلمرو شاه را برای این روزنامه فراهم آورم.»

۲- «نقائیسی که درباره‌ی ایران شناختی جدید وجود دارد و من در مطالعات قبلی به آن برخورد کرده بودم، برطرف سازم و به این ترتیب اطلاعات این دو مجلد ۱۴۰۰ صفحه‌ای را فراهم آورم» (کرزن، ۱۳۷۳: ۷).

وی در تحلیل نامگذاری سفرنامه‌اش به «قضیه‌ی ایران» می گوید:

در صدد شرح و بیان چگونگی و اهمیت سرشار این قضیه برمی آیم تا برای خوانندگان انگلیسی واضح شود که آن سرزمین دور افتاده چه منابع سرشاری دارد و چرا ناگزیرند که سیاست و آبادانی آن را با علاقه‌ی تام بنگرند و معنی اتحاد با ایران چیست و چه آثاری در بر خواهد داشت و به چه دلیل برای ما مقدور نیست که خواه نسبت به فرمانروای آن یا نسبت به ملت ایران با رویه‌ی بی‌اعتنایی، فقط قرین احترام رفتار کنیم (کرزن، ۱۳۸۷: ۱۹).

در تحلیلی که از علت سفرش می شود چنین بر می آید که سمت وی به عنوان خبرنگار، برای تردد آسان به اماکن و مراکز مختلف و دیدنی و ارتباط با افراد مؤثر بود. کرزن بعد از ورود به ایران توانست همراه نمایندگان سیاسی انگلیس در ایران در یکی از آیین‌های سلام رسمی «ناصرالدین شاه» قاجار حضور یابد. پس از شش ماه توقف در ایران، اطلاعات مورد نظرش را گردآوری و پس از بازگشت به کشورش و تکمیل اطلاعات از سایر منابع پیش از خود، به تدوین نام آورترین اثرش به نام «ایران و قضیه‌ی ایران» در دو مجلد پرداخت. انتشار این کتاب بیش از پیش بر شهرت او افزود، به طوری که پس از انتشار آن در سال ۱۸۹۱م. مقام معاونت دیوان هند به او داده شد. وی در ۳۹ سالگی با احراز عنوان «لرد» از سوی ملکه ویکتوریا، به عنوان جوان‌ترین نایب‌السلطنه‌ی هندوستان منصوب شد (همان). کرزن پس از هفت سال فترت از عرصه‌ی سیاسی

(نیکلسون، ۱۳۸۰: ۱۹)، در سال ۱۹۱۸ میلادی معاون وزارت امور خارجه و از آغاز سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ وزیر امور خارجه‌ی انگلیس شد. انتصاب لرد کرزن به وزارت امور خارجه‌ی انگلیس نقطه‌ی عطف تحولات منتهی به قرارداد ۱۹۱۹ م. بود. وی بی‌درنگ سیاست خود در مورد ایران را به مرحله‌ی اجرا گذاشت. کرزن که قبل از این به کمیته‌ی ایران (شعبه‌ای از کمیته‌ی وزارت امور خارجه‌ی انگلیس) دستور داده بود سیاست جدید انگلیس در ایران را تدوین کند، اکنون فرصت خوبی یافته بود تا سیاست مستعمره‌سازی ایران را عملی کند (نجفی‌حقانی، ۱۳۷۹: ۴۰). در تحلیلی که از مهم‌ترین اولویت‌های وی در ایران شده، مسئله‌ی نفت در صدر است، چنانکه یکی از مؤلفه‌های مهم برای بازسازی اقتصاد جنگی بریتانیا در دوره‌ی پس از جنگ به شمار می‌رفت (آبادیان، ۱۳۸۵: ۲۱).

اولویت دیگر او، ایجاد زنجیره‌ای از کشورهای حائل و دولت‌های سرسپرده‌ای بود که روسیه را از هند جدا کند و از امکان دسترسی مستقیم یا آسان بدان بازدارد و هیچ‌یک از آن کشورها تحت نفوذ روسیه نباشند. در نظر وی، ایران مهم‌ترین و در عین حال ضعیف‌ترین حلقه‌ی زنجیره‌ی دفاع از هند را تشکیل می‌داد که باید از خطر تعرض هر متجاوزی مصون باشد (رایت، ۱۳۸۵: ۲۴۳). وی برای ایجاد توازن قدرت انگلیس با روسیه معتقد بود تقسیم ایران به مناطق نفوذ و کنترل و نظارت بر آن مسئله‌ای است که با وجود این ملت وامانده و فرسوده و این حکومت رو به زوال در آینده غیر قابل اجتناب است؛ به این ترتیب وی طرح تقسیم ایران را در سال ۱۸۹۹ م. به دولت متبوع خود ارائه داد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۳۹-۴۳). اگرچه کرزن از مخالفان قرارداد سال ۱۹۰۷ بود، اما در بحث از قرارداد ۱۹۱۹، زمانی که مسند وزیر امور خارجه‌ی انگلیس را بر عهده داشت سیاست و راهبرد تصویب شده‌ی دولت انگلیس یا همان مذاکره‌ی مستقیم با ایران و انعقاد قرارداد با این کشور را به سفیر بریتانیا، کاکس ابلاغ کرد (اواسط ژانویه‌ی ۱۹۱۹ م، بهمن ۱۲۹۸). وثوق‌الدوله آن را پذیرفت و به دنبال آن مذاکره‌ها به صورت محرمانه آغاز شد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸: ۱۸۶ و ۱۸۵). به این ترتیب به نظر می‌رسد که کرزن به عنوان یکی از تقویت‌کنندگان پایه‌های قدرت انگلیس در ۲۵ سال اول قرن بیستم (کرزن، ۱۳۷۳: ۱۹ - ۲۱) به‌ویژه در ایران و آسیا، در آینده‌ای

که برای انگلستان ترسیم می کند از هیچ کوششی دریغ نورزید؛ آینده‌ای که آن را اینگونه ترسیم می کند:

آینده‌ی بریتانیای کبیر در اروپا و حتی در دریاها و اقیانوس‌ها که در زیر سایه‌ی پرچم اویند یا در خود انگلستان که هستی‌اش وابسته به وجود فرزندان اوست، تعیین نخواهد شد، بلکه در آن قاره‌ای تعیین خواهد شد که نیاکان مهاجر ما اصلاً از آنجا فرآمده‌اند و فرزندان ایشان به صورت کشورگشایان به همان‌جا بازگشته‌اند. انگلستان بدون هندوستان امکان زیست ندارد. در دست داشتن هند، سند تعویض‌ناپذیری در فرمانروایی بر جهان شرق است (همان: ۲۱).

سفرنامه‌ی ایران و قضیه‌ی ایران

جورج ناتانیل کرزن یکی از شرق‌شناسان و سفرنامه‌نویسانی است که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دو بار به ایران سفر کرده است. وی علاوه بر نقش سیاسی به دلیل نگارش سفرنامه‌ی «ایران و قضیه‌ی ایران» که حاصل اولین سفرش در دوره‌ی ناصری است، برای ایرانیان نیز نامی آشنا است. اقدام کرزن در تهیه و نگارش کتاب **ایران و قضیه‌ی ایران** که در دو جلد به زبان فارسی ترجمه شده و بارها به چاپ رسیده است، از نظر تاریخ‌نگاری و ارزش تاریخی کار بزرگ و تا زمان خودش اثری کم‌نظیر به شمار می‌رود و حاکی از توان، ذکاوت و انگیزه‌ی بسیار بالای نویسنده‌ی آن است. ویژگی شاخص و مهم این اثر، ارائه‌ی اطلاعات به نسبت جامع از اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، صنعتی و حتی جغرافیایی و نظامی ایران است.

کرزن انگیزه‌ی خود را از گردآوری حجم زیادی از اطلاعات در آن سال‌ها، پدیدآوردن اثری سیاسی می‌داند که فراخور سلیقه‌ی طبقه‌ی مطلع باشد، نه سفرنامه‌ای که در نزد عموم مورد پسند واقع شود. چنانکه از سخنان دیگر کرزن برمی‌آید، قصدش فقط گزارش‌نویسی یا سفرنامه‌نویسی نبوده و به انگیزه‌ی علمی نیز اشاره‌ی جدی ندارد، بلکه تأکید او بر بریتانیای کبیر و آینده‌ی آن است و منظورش از «طبقه‌ی مطلع» راهبرده‌گرایان و تصمیم‌گیران حال و آینده‌ی بریتانیا بوده است که باید رهبری مقتدرانه‌امپراتوری بریتانیا در رقابت با روسیه و سایر رقبای استعماری انگلیس را تداوم بخشند (کرزن: همان).

سفرنامه‌ها زنجیره‌های متعدد از افعال و ساختارهای شرق‌شناسیبه شمار می‌روند که به زعم «سعید» تحت عنوان کلی دانش درباره‌ی شرق، در زیر چتر سلطه و برتری مغرب‌زمین بر شرق در خلال دوره‌ی بعد از پایان قرن هجده بوده‌اند. در این دوران شرق پیچیده‌ای ظهور کرد که برای مطالعه در آکادمی‌ها، نمایش در موزه‌ها، تجدید ساختار در ادارات مستعمراتی، عرضه‌ی نظری در تزیهای بوم‌شناختی، بیولوژی، زبان‌شناختی، نژادشناسی و تاریخی درباره‌ی انسان و جهان، نشان دادن موارد تحقق نظریه‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه، انقلاب، شخصیت فرهنگی و سیرت ملی یا دینی افراد بسیار مناسب بود (جوادی‌یگانه، ۱۳۹۰: ۲۹-۶۵). شرق‌شناسی که گاهی در قالب سفرنامه‌ها نیز خود را می‌نمایاند، به جای یک توصیف یا بیان، نوعی «خواست» یا «نیت و قصد» درک و در پاره‌ای از موارد، کنترل، ساخت‌وساز و حتی شخصیت حقوقی بخشیدن به دنیایی آشکارا متفاوت (جابه‌جا شده و جدید) است. دانش مربوط به شرق، به این دلیل که از منبع قدرت الهام گرفته است، به یک معنا شرق را ایجاد می‌کند، همچنین شرقی و دنیای او را. عنصر اساسی در شرق‌شناسی، تعریفی است که از انسان شرقی می‌شود. انسان شرقی، بی‌منطق، محروم (افتاده و ویران)، مثل بچه و موجودی متفاوت بود و در مقابل، فرد اروپایی انسانی منطقی، بافضیلت، پخته، طبیعی و نرمال بود. فرد شرقی در دنیای کاملاً متفاوت اما سازمان‌یافته‌ی خاص خویش زندگی می‌کرد. فرد شرقی با عناصری خاص در جامعه‌ی غربی (مجرمان و بزهداران، ناقص‌العقل‌ها، زن‌ها و آدم‌های فقیر) پیوند داده می‌شد که این دو گروه هویت مشترکی داشتند که بهترین توصیف آن، این بود که گفته می‌شد، به نحو رقت‌باری بیگانه و غریب هستند. ذکر چنین ویژگی‌هایی در سفرنامه‌ها کاملاً روشن است. مفهوم مرزها و حدود و ثغور جغرافیایی شرق و غرب، مراتب مختلف احساس حقارت (از ناحیه‌ی شرق) و احساس قدرت (برای غرب)، دامنه‌ی کارهای انجام شده و نوع خصایص و سجایایی را که به شرق انتساب داده می‌شد در بر می‌گرفت که نمود آن در سفرنامه‌ها دیده می‌شود (همان). با وجود مطالب گفته شده باید جانب انصاف را رعایت کرد و بر این نکته نیز صحه گذاشت که به زعم انصاف‌پور، تعریف‌ها و توصیفات این سفرنامه‌نویسان و پژوهشگران خارجی از کشوری همچون ایران (چه صرفاً علمی باشد چه نظری یا اینکه گزارش‌های جاسوسی باشد)، تمامی درست و تقریباً بی‌غرضانه هستند، زیرا این کتاب‌ها را برای ما

نوشته‌اند که بخواهند حقایق را وارونه جلوه دهند. این کتاب‌ها در عین حال در هر موضوعی که باشند، به طور کلی، گزارش‌های ایران‌شناختی هستند که برای دولت‌مردانشان نوشته شده‌اند تا نسبت به ما شناخت بیشتری پیدا کنند (انصاف‌پور، ۱۳۶۳: ۱۹). به این ترتیب اگرچه نمی‌توان از سوگیری‌ها، برداشت‌های نادرست و غرض‌ورزی‌هایی که نویسندگان سفرنامه‌ها در رابطه با مسائل مختلف کشور مورد مطالعه داشته‌اند غفلت کرد، اما بسیاری از حقایق از خامه و سخنان آن‌ها به جای مانده که عاملی در جهت بهره‌برداری اطلاعات در زمینه‌های مختلف برای کشور مقصد و همچنین بهره‌مندی مورخان و شرق‌شناسان از آن‌ها شد؛ به همین دلایل سفرنامه‌ها به عنوان بهترین منبع برای نوع شناسایی دوسوگرایی‌های موجود در عصر مورد نظر در عرصه‌ی فرهنگی شناخته و انتخاب شده‌اند (انصاف‌پور، ۱۳۸۳: مقدمه).

پیشینه‌ی تجربی:

دوسوگرایی در قالب مفاهیمی نظیر ناسازگاری پایگاهی، دوگانگی نظر و عمل و... در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، پزشکی و... توسط محققان داخلی و خارجی بررسی شده است (ریوفت، ۱۳۷۵؛ محمدی، ۱۳۷۵؛ ابوترابی، ۱۳۷۸؛ چلبی و آزاده، ۱۳۷۹؛ جمیلی، ۱۳۸۲؛ عیبدی، ۱۳۸۳؛ سیدان و محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۳؛ راودراد، ۱۳۸۳؛ کریمی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۵ و پژوهش‌های خارجی عبارت‌اند از willson, shaey and elder: 2003, Roginsky: McMullin and caron:2010, Ayntas and Angus: 2009 (Hay Birditt,,: 2004, Connidis,2006:2002 Weingardt,,: Fingerman,2000 McMullin and :Roginsky, 2010: کارون: 2009, Ayntas and Angus , 2003: 2004:Birditt, Hay, Fingerman,2000:Weingardt, 2002:Connidis,2006).

در منابع تاریخ معاصر نیز به حضور این ویژگی در میان ایرانیان اشاره شده است؛ مانند زیباکلام، ۱۳۸۶؛ آبراهامیان، ۱۳۸۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۴؛ طباطبایی، ۱۳۸۷؛ فوران، ۱۳۷۷؛ لمبتون، ۱۳۷۹، ۱۳۷۵، ۱۳۶۲؛ کدی، ۱۳۷۵ و... همچنین برخی سفرنامه‌نویسان خارجی در مشاهده و ارزیابی رفتار ایرانیان به این ویژگی اشاره کرده‌اند (گویینو، ۱۳۸۳؛ پولاک، ۱۸۵۱؛ گویینو، ۱۸۵۵؛

کارلاسرنا، ۱۳۶۲)، ولی به طور خاص، تحلیل محتوای انواع دوسوگرایی به طور نظام‌مند در منابع مذکور دیده نشده است.

پیشینه‌ی نظری:

مبحث دوسوگرایی به صورت تلویحی، در آرای جامعه‌شناسان کلاسیک مورد اشاره قرار گرفته است (مارکس، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸؛ امیل دورکیم، ۱۳۷۷؛ وبر، ۱۳۸۷؛ زیمل، ۱۳۷۳؛ پاره‌تو، ۱۳۷۷)^۱. در میان جامعه‌شناسان متأخر نیز اشاراتی به پدیده‌ی مذکور به گونه‌ای مشخص‌تر دیده می‌شود؛ مانند پارسنز (۱۹۵۷)؛ باومن (۱۹۹۱)؛ گیدنز (Merton, ۱۹۱۶)؛ اسملسر (۱۹۹۸)؛ بوردیو (۱۹۸۴)؛ دارندورف (۲۰۰۱: cockerham)؛ گافمن (۱۹۶۴).

به طور خاص و مبسوط، مرتون درباره دوسوگرایی و منبع اصلی آن یعنی دوسوگرایی جامعه‌شناختی نظریه‌پردازی کرده است. از آنجا که با استعانت از نوع‌شناسی مرتون به بررسی دوسوگرایی ایرانیان در سفرنامه‌ی کرزن پرداخته‌ایم، به معرفی دوسوگرایی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و انواع آن در چارچوب مفهومی زیر می‌پردازیم.

چارچوب مفهومی

مرتون دوسوگرایی را گرایش‌ها و تمایلات فردی به سوی احساسات، باورها و رفتارهای ناسازگار و متناقض تعریف کرده است (Merton, 1976: 7-11). او منشاء دوسوگرایی را به انتظارات هنجاری متناقض نسبت می‌دهد که در ناسازگاری پایگاه اجتماعی افراد استقرار یافته است و تحت عنوان دوسوگرایی جامعه‌شناختی از آن یاد می‌کند. مرتون به شش نوع اصلی دوسوگرایی جامعه‌شناختی برآمده از ساختار اجتماعی اشاره دارد که در رفتارهای دوگانه‌ی افراد بروز می‌کند. در این پژوهش در نظر داریم تا بر اساس دیدگاه مرتون به نوع‌شناسی دوسوگرایی روان‌شناختی و

۱. مارکس در کتاب *مانیفست حزب کمونیست* (۱۳۸۸) و دست‌نوشته‌ها (۱۳۷۸)؛ دورکیم در کتاب *خودکشی* (۱۳۷۷)؛ وبر در کتاب *دین، قدرت، جامعه* (۱۳۸۷)؛ زیمل در *مبحث غریبه* (کوزر، ۱۳۷۳: ۲۵۴)؛ پاره‌تو در *مبحث بازمانده‌ها و مشتقات* (ارون، ۱۳۷۷: ۵۴۲ و ۵۴۳)

دوسوگرایی جامعه‌شناختی ایرانیان در سفرنامه‌ی کرزن بپردازیم، از این رو چارچوب مفهومی برگرفته از نوع‌شناسی مرتون را در جداول ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ ارائه می‌کنیم:

جدول شماره ۱. نوع‌شناسی دوسوگرایی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بر حسب دامنه، انواع و رفتار

دامنه دوسوگرایی	انواع	دوسوگرایی جامعه‌شناختی	دوسوگرایی روان‌شناختی "بروز در رفتار"
محدودترین معنا « نوع اصلی » یک پایگاه و یک نقش	نوع ۱	انتظاراتی هنجاری متناقض ^۱	رفتار نوسانی ^۲
گسترده‌ترین معنا « انواع فرعی » مجموعه پایگاهی فرد	نوع ۲	مستیز ارزشها در مجموعه پایگاهی ^۳	رفتار سازشکارانه ^۴
	نوع ۳	مستیز نقش‌های متعدده ^۵	-
کلید افراد جامعه	نوع ۴	تناقض و ناسازگاری ارزش‌های فرهنگی ^۶	رفتار ناهمیارانه ^۷
	نوع ۵	تناقض و مستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی ^۸	رفتار منحرفانه ^۹
		تفاوت و تعارض ارزش‌های فرهنگی ^{۱۰}	رفتار تقلدانه ^{۱۱}

1. conflicting normative expectations
2. oscillatory of behavior
3. conflict of interests or of values
4. tolerance of behavior
5. conflict between several roles associated with a particular status
6. contradictory cultural values
7. defective of behavior
8. contradiction between the cultural structure and the social structure
9. deviant of behavior
10. differing sets of cultural values
11. Imitator of behavior

جدول شماره ۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های دوسوگرایی جامعه‌شناختی (Merton, 1976:7-12).

انواع دوسوگرایی جامعه‌شناختی	تعریف	معرف‌ها (شاخص)
(نوع ۱) انتظارهای هنجاری متناقض	انتظارهایی که به طور اجتماعی در مورد نقش اجتماعی ویژه مربوط به یک پایگاه اجتماعی واحد تعریف شد.	رفتار شخصی و غیرشخصی
(نوع ۲) ستیز ارزش‌ها در مجموعه‌ی پایگاهی	انتظارهای هنجاری و ارزشی ناموافقی که به پایگاه یا به مجموعه پایگاهی افراد مربوط می‌شود.	ستیز بین ارزش‌های پایگاه دنیوی و اخروی (مذهبی) افراد
(نوع ۳) ستیز نقش‌های متعدد	انتظارات هنجاری، ارزشی، نگرشی متضاد مربوط به نقش‌های متعدد وابسته به یک پایگاه.	استاد دانشگاه با نقش‌های چندگانه آموزشی، پژوهشی، اداری و...
(نوع ۴) تناقض و ناسازگاری ارزش‌های فرهنگی	ارزش‌هایی که ساختار اجتماعی آن‌ها را در جامعه درونی کرده اما در مقیاس وسیعی با هم در تناقض به سر می‌برند.	تناقض در میان ارزش‌های نهاد خانواده و نهاد کسب‌وکار (اقتصاد).
(نوع ۵) تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی	گسیختگی آرزوهایی که از نظر فرهنگی معین شده و راه و روش‌های تحقق این آرزوها که به طور اجتماعی ساختار یافته است.	تأکید بر هدف «ثروتمندی» بدون تأکید بر روش‌های نهادی کسب ثروت که عامل بزه‌هایی مثل رشوه می‌شود (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۴۵۵).
(نوع ۶) تفاوت ارزش‌های فرهنگی	پذیرش ارزش‌ها توسط افراد، از گروه‌هایی که عضو آن‌ها نیستند.	انسان‌های حاشیه‌نشین، مهاجران، افراد تحت تأثیر گروه مرجع.

جدول شماره ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های دوسوگرایی روان‌شناختی

معرف (شاخص‌ها)	تعریف	دوسوگرایی روان‌شناختی در رفتار
(نوع ۱) رفتار نوسانی (merton, 1976:8)	حرکت بین دو قطب مثبت و منفی، حضور هم‌زمان حالات، تکانه‌ها، خواست‌ها و گرایش‌های متضاد یا مانعه‌الجمع در رفتار (هیلگارد، ۱۳۸۸: ۷۰۱، ۶۹۷؛ محمود و دادستان، ۱۳۷۵).	مقرراتی بودن و بی‌بند و باری (مرتون ۱۹۷۸-۱۹۷۶: ۸)
(نوع ۲) رفتار سازشگرانه (Ibid:9)	رفتارها و کردارهایی که موجود زنده برای تطبیق، سازش و همنوایی خود با شرایط محیطی انجام می‌دهد (منصور، ۱۳۷۵: ۱۱۶)؛ مانند رفتار سازشکارانه‌ی دینی (مداهنه و مصانعه). (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷: ۳۴۹/۴؛ مطهری، ۱۳۸۵: ۱۷/۲۴۸).	میگساری، غیبت، احتکار، قسم دروغ، سازش با حاکمیت جبار از روی مصلحت
(نوع ۴) رفتار ناهمیارانه	رفتاری که بر اساس انتخاب عقلانی به دنبال نفع فردی است (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۱۳۴).	راستگویی و پنهان‌کاری
(نوع ۵) رفتار منحرفانه	مجموعه رفتارها و اعمالی که مغایر با ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای اکثریت جامعه است و بیشتر افراد، آن را نادرست تلقی کنند (سروستانی، ۱۳۸۷: ۳۳ و ۳۴)؛ (ستوده، ۱۳۸۹: ۳۵ و ۳۶).	تملق و چاپلوسی، رشوه، نقض عهد، دورویی
(نوع ۶) رفتار مقلدانه	رفتارهایی که از طریق مشاهده، تأسی، پیروی و همان‌سازی از رفتار فرد یا گروه دیگر پرداخته است (باندروا، ۱۳۷۲: ۳۰-۲۷)؛ مانند تقلید در فرهنگ که شامل مادی و معنوی است (روح‌الامینی، ۱۳۷۱: ۲۴).	ابزار و وسایل، آداب و رسوم، سیاست، قوانین و... (همان).

جدول شماره ۴. پایگاه نقش بر حسب مقوله، پایگاه، مجموعه‌ی پایگاهی، نقش و مجموعه‌ی نقشی

(گروثرز، ۱۳۷۸: ۱۲۹)

مقوله: پایگاه نقش	پایگاه	مجموعه پایگاهی	نقش	مجموعه‌ی نقشی
مؤلفه‌ها و شاخص‌ها	استاد دانشگاه	مرد- کاتولیک - پدر	محقق	همکار، کارمند، همسر
	خانم خانه‌دار	زن - جمهوری‌خواه	معلم	دانشجو، فرزند
	ایرانی ^۱	مادر	مدیر	کارمند دستگاه اداری، همکار
	آمریکاییان ^۲	استاد دانشگاه - مرد - پروتستان	پدران	کارمند سیاسی، همکار دانشگاهی
نقش	تصاحب موقعیت در نظام اجتماعی که انتظارات معین می‌طلبد (گروثرز، ۱۳۷۸: ۱۲۶).	ترکیبی از موقعیت‌های جداگانه برای افراد در جامعه (همان)	رفتار برآمده از انتظارات متناسب به موقعیت فرد در جامعه (همان)	نقش‌های مربوط به پایگاه در ارتباط با انواعی از مکمل‌های آن پایگاه (همان)

جدول شماره ۵. عرصه‌ها بر حسب مؤلفه، تعریف، معرف ۱ و ۲

مؤلفه	تعریف	معرف (شاخص). شماره ۱	معرف (شاخص). شماره ۲
«فضا - میدان» عرصه	میدان و فضاهای زندگی اجتماعی که در شبکه‌ای از روابط عینی به سر می‌برند و بین آن‌ها تبادل، ارتباط و برهم‌کنشی وجود دارد (ریترز، ۱۳۸۰: ۷۲۴).	روابط فضاهای فرهنگی سیاسی	حکومت، دولت، قوه‌ی قهریه، خلیقات، آداب و رسوم
		روابط فضاهای فرهنگی نظامی	نیروهای مسلح، فرماندهان، عادات و آداب، ارزش‌ها، هنجارها
		روابط فضاهای فرهنگی اجتماعی	مردم، گروه‌ها، ارزش‌ها، عادات، هنجارها، عقاید
		روابط فضاهای فرهنگی سیاسی	معاهدات، روابط، دیپلماسی، عرف،

۱. بیبی، ۱۳۸۸ / ۱ / ۱۰۵.

۲. همان.

خلقیات و عادات	(سیاست خارجی)		
تولید، فروش، مالیات، عادات و آداب، ارزش‌ها	روابط فضاهای فرهنگی اقتصادی		
ارزش‌ها، باورها، عرف، تعالیم دینی، تکالیف، آیین‌ها، هنجارهای دینی	روابط فضاهای فرهنگی مذهبی (دینی)		

روش پژوهش

در این پژوهش با بهره‌برداری از رویکرد روشی نوع‌شناسی^۱ یا گونه‌شناسی (ببی، ۱۳۸۸: ۳۹۲) و دیدگاه مرتون درباره‌ی دوسوگرایی جامعه‌شناختی به شناسایی و دسته‌بندی انواع دوسوگرایی در حوزه‌ی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در متن سفرنامه کرزن در دوره‌ی قاجار می‌پردازیم. تکنیک خاص تحقیق شامل بررسی تاریخی و تحلیل محتوای کیفی است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، ده سفرنامه ترجمه شده‌ای است که به دست افراد انگلیسی در دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار نگاشته شده است. در نهایت با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند (هولستی، ۱۳۷۳؛ رایف و دیگران، ۱۳۸۵؛ کریپندورف، ۱۳۸۶) و با توجه به استدلال کارشناسان مبنی بر اهمیت سیاسی لرد کرزن و نگارش سفرنامه‌ای که حجیم‌ترین، معروف‌ترین و در عین حال یکی از غنی‌ترین منابع در این دوره و در میان سفرنامه‌ها به شمار می‌رود، سفرنامه‌ی وی با نام «ایران و قضیه‌ی ایران» انتخاب شده است.

نتایج حاصل از تحلیل محتوای سفرنامه کرزن

برای آشنایی با تحلیل محتوای انجام شده از گفته‌های کرزن در سفرنامه‌اش، قسمت‌هایی از جداول این تحلیل محتوا را که مستخرج از جلد ۱ این سفرنامه است، به صورت نمونه در اینجا می‌آوریم.

1. typology

جدول شماره ۵: نوع‌شناسی دوسوگرایی در سفرنامه کرزن (ایران و قضیه ایران) جلد ۱				
واحد زمینه	پایگاه	عرصه	نوع دوسوگرایی روانشناختی	نوع‌شناسی دوسوگرایی جامعه‌شناختی بر حسب نظریه مریتون
یک سمبول روسی هم روی میز غفلت می‌خورد و چند صندلی با نشیمنگاه حصیری (که نجای ایرانی برای میهمان اروپایی کم و بیش آماده دارند) در اطراف اطلاق چیده بودند و تلقچه‌های دیوار پوشیده از باسجه‌های روسی و از آن قبیل عکس‌ها بود که از مجلات مصور و یا اعلانات ایام عید مسیح بریده باشند و همچنین عکس‌های شفاف اعضای خاندان سلطنتی روسیه و صورت برین سیامو یا گرن‌بندهای قیمتی و زیبا و گرین و باژون لخت و اتلا چهار عکس بزرگ از امپراتور و ملکه ی روس (کرزن، ج ۱، ۱۴۸ و ۱۴۹).	خان (امیر حسین خان) کشور روسیه	فرهنگی-سیاسی	رفتار مقلدانه (عناصر مادی فرهنگ) (عناصر معنوی فرهنگ)	تفاوت و تعارض ارزشهای فرهنگی (نوع ۱)
او(امیر حسین خان) بعلاوه میراث پدري یعنی عادت میگزاري را گملا دارا است (همان، ۱۵۵).	پسر خان (امیرحسین خان)	فرهنگی-مذهبی	رفتار سازشکارانه (اس گساری)	تناقض ارزشها در مجموعه پایگاهی (بنیوی و اخروی) (نوع ۲)
رفتار و طرز بیان حتی معتمدترین وزیران که در پیشگاه شاه معمول می‌دارند ابراز اطاعتی بنده وار و سستین تلقی‌آمیز است (همان، ۵۲۶).	مقامات دربار- شاه(ناصرالدین)	فرهنگی-سیاسی	رفتار منقرضه (تملق و چاپلوسی)	تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی (نوع ۵)
امیرکبیر که داماد شاه و برجست‌ترین فرد سراسر کشور بود قریبی نسبه‌های درباری و مشمول اغراض حسادت‌آمیز پادشاه جوان که دیگران برانگیخته بودند گردید (همان، ۵۲۷ و ۵۲۸).	شاه و درباریان- وزیر(امیرکبیر)	فرهنگی-سیاسی	رفتار منقرضه (خدعه و نیرنگ)	تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی (نوع ۵)
عصر همان (خان) روز ما را به شام اروپایی دعوت کرد و باز به مستی کامل افتاد (همان، ۱۵۶)	خان-هیئت مذهبی(کرزن)	فرهنگی-سیاسی	رفتار مقلدانه (عناصر معنوی فرهنگ)	تفاوت و تعارض ارزشهای فرهنگی (نوع ۱)

مبالغ سرشاری که شاه (ناصرالدین شاه) در اروپا صرف خرید اسباب خانه و اثیاء نوظهور کرده بود موجب تحریک افراد ناراضی شد (همان، ۵۳۱).	شاه (ناصرالدین شاه)-اروپاییان	فرهنگی-سیاسی	رفتار مقلدانه (عناصر مادی فرهنگ)	تفاوت و تعارض ارزشهای فرهنگی (نوع ۶)
ظل‌السلطان لشکریاتی در اصفهان فراهم ساخت و برای آن‌ها اونیفورم بروسی با کلاهخود انتخاب کرد و خیلی دوست داشت در همین لباس و با اونیفورم زرنالی از او عکس بردارند (همان، ۵۴۶).	شاهزاده (ظل‌السلطان)- کشور روسیه	فرهنگی - نظامی	رفتار مقلدانه (عناصر مادی فرهنگ)	تفاوت و تعارض ارزشهای فرهنگی (نوع ۶)
بعد از بالا رفتن از پلکان و عبور از چندین اطاق که با طرز مضحک آمیخته از سلیقه ی اروپایی و شرقی آراسته شده بود به دالان درازی وارد شدم که یک سمت آن سراسر ارسی‌های پر از شمعدانی و در دیوار مقابل آن تصاویری آویخته بود که بیشتر عکس خود ظل و قطعاتی از جراید روسی و تصویر امپراتور روس و سرداران و میدان نبرد و در میان آن‌ها عکس‌های رنگینی هم از حوریان نیمه عور با چشمانی مخمور وجود داشت (همان، ۵۴۸).	دربار شاهزاده (ظل‌السلطان)- اروپاییان	فرهنگی-سیاسی	رفتار مقلدانه (عناصر معنوی فرهنگ)	تفاوت و تعارض ارزشهای فرهنگی (نوع ۶)
سالم‌ها رسم او این بوده است که در روز تولد شاه جلسه ی شام با شکوهی به سبک فرانسه برای وزیران مختار بیگانه ترتیب و در آن ضیافت تمام ظرافت ذوقی و سلیقه ی پاریس را ارائه می‌داده است (همان، ۵۵۱).	شاهزاده(کامران‌میر زا)- کشور فرانسه	فرهنگی-سیاسی	رفتار مقلدانه (عناصر معنوی فرهنگ)	تفاوت و تعارض ارزشهای فرهنگی (نوع ۶)
(در حکومت ایران) ادارات به طرز نیمه‌اروپایی طبقه‌بندی و نامگذاری شده است (همان، ۵۵۴).	حکومت ایران- کشور فرانسه	فرهنگی-سیاسی	رفتار مقلدانه (عناصر معنوی فرهنگ)	تفاوت و تعارض ارزشهای فرهنگی (نوع ۶)
...اما ایران تا مرحله ی حکومت مشروطه خیلی فاصله دارد. از این رو حیرت‌آور نیست که بی‌می‌بریم آن دستخط همایونی یا به کلی مورد مسامحه واقع و یا از روی تدبیر و اصلاح بر طاق نمایان نهاده شده است. به خصوص ماده ی پنجم که هیچ‌وقت دستور کار قرار نگرفته است (همان، ۵۵۵).	شاه ایران	سیاسی-فرهنگی	رفتار نوسازی (مقرراتی بودن و بس بند و باری)	انتظارهای هنجاری منتقض (نوع ۱)

تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی (نوع ۵)	رفتار منحرفانه (رشته)	فرهنگی-سیاسی	مقامات حکومتی - شاه	هرگاه این سیستم (مداخل) را از لحاظ تأثیری که بر وضع مالی و منافع افراد طبقه ی پایین دارد بررسی کنیم شکی نیست که غیر از اخاذی کلان و غیرمجاز عنوانی ندارد و می توان وضع دارنده یا جوینده ی هر مقامی را در نظر آورد که تاجار بوده است جهت احراز آن مبلغ سرشاری خرج کند و طی این سیر و جریان است که روستایی بیچاره قربانی نهایی واقع می شود (همان، ۵۷۷).
تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی (نوع ۵)	رفتار منحرفانه (رشته)	فرهنگی-اجتماعی	مردم ایران	تا وقتی که شهریار را نظر بر زر و مال باشد و خزانه ی دولت با وضع اسفناک کنونی اداره شود مداخل نیز آیین اسلمی زندگانی عمومی خواهد بود و امید هرگونه اصلاحی در ایران بسیار بعید (همان، ۵۷۹).
تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی (نوع ۵)	رفتار منحرفانه (رشته)	فرهنگی-سیاسی	مقامات ایرانی- شاه	اگر پیشگش یا تقدیم کمتر از میزان مرسوم پرداخت شود سبب از دست رفتن جاه و مقام و در صورت اضافه احراز تقرب بیشتر خواهد شد (همان، ۵۸۰).
تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی (نوع ۵)	رفتار منحرفانه (تملق و چاپلوسی)	فرهنگی - سیاسی	اعیان و توانگران- شاه	بعضی اوقات که شاه در شکارگاه با تفنگ همایونی حیوانی مثل ببر یا پلنگی شکار کرده باشد، جانور بیجان را در جلو اعیان و توانگران برجسته همی گردانند و ایشان به مناسبت افتخاری که از دین ضرب شست همایونی حاصل کرده اند مبلغی بابت ناز شست می دهند (همان، ۵۸۲).
تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی (نوع ۵)	رفتار منحرفانه ۱- (رشته) ۲- (خیانت)	فرهنگی-سیاسی	مقامات حکومتی- شاه	تا زمانی هم که پابندگی مقامات، بیشتر بر مقدار مال و مثال مبتنی است تردیدی نیست که سبب فساد در دستگاه اداری باقی خواهد ماند و افراد شریف در تنگنا خواهند ماند و اگر هم مرد شایسته ای به کاری گماشته شود تحریکات یا ضد هنجار دینی (رشته) که رقیب در خفا بر ضد او دریغ نخواهد ورزید هر لحظه ممکن است کژش را لنگ کند و بهانه هم این خواهد بود که وی نتوانسته است از شرارت رومی ها در شهر خود آن ها جلوگیری نماید (همان، ۵۸۳).

دستاوردها:

به این ترتیب با توجه به بررسی که از سفرنامه کرزن به دست آمد، می توان دوسوگرایی های شناسایی شده در دوره ی ناصری در زمان حضور کرزن را در قالب جداول و تحلیل های به دست آمده گنجانند.

جدول شماره ی ۶. توزیع فراوانی و درصد دوسوگرایی جامعه شناختی

نوع دوسوگرایی جامعه شناختی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
انتظارهای هنجاری متناقض (نوع ۱).	۱۷	۱۴/۵	۱۴/۵
تناقض ارزش در مجموعه پایگاهی (نوع ۲).	۱۷	۱۴/۵	۲۹/۱
ناسازگاری ارزش های فرهنگی (نوع ۴).	۲	۱/۷	۳۰/۸
تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی (نوع ۵).	۴۹	۴۱/۹	۷۲/۶
تفاوت و تعارض ارزش های فرهنگی (نوع ۶).	۳۲	۲۷/۴	۱۰۰
کل	۱۱۷	۱۰۰	

طبق نتایج به دست آمده، بیشترین مشاهده‌ی کرزن از دوسوگرایی جامعه‌شناختی در دوران ناصرالدین شاه مربوط به نوع ۵ یا همان تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی با ۴۹ مورد فراوانی و ۴۱/۹ درصد و سپس مربوط به نوع ۶ دوسوگرایی جامعه‌شناختی یا همان تفاوت و تعارض فرهنگی با ۳۲ مورد فراوانی و ۲۷/۴ درصد است. در نگاه کرزن نوع ۱ انتظارهای هنجاری متناقض و نوع ۲ تناقض ارزش در مجموعه‌ی پایگاهی به تساوی با ۱۷ مورد فراوانی و ۱۴/۵ درصد بعد از نوع ۵ و ۶ قرار دارند. در نهایت نوع ۴ یا همان ناسازگاری ارزش‌های فرهنگی با ۲ مورد فراوانی و ۱/۷ درصد، پایین‌ترین مورد دوسوگرایی از نگاه کرزن است.

جدول شماره‌ی ۷. توزیع فراوانی و درصد دوسوگرایی روان‌شناختی

دوسوگرایی روان‌شناختی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
رفتار نوسانی	۱۷	۱۴/۵	۱۴/۵
رفتار سازشکارانه	۱۷	۱۴/۵	۲۹/۱
رفتار ناهمیارانه	۲	۱/۷	۳۰/۸
رفتار منحرفانه	۴۹	۴۱/۹	۷۲/۶
رفتار مقلدانه	۳۲	۲۷/۴	۱۰۰
کل	۱۱۷	۱۰۰	

از آنجا که برون‌داد دوسوگرایی جامعه‌شناختی، دوسوگرایی روان‌شناختی است، نتایج به دست آمده در حوزه‌ی بروز دوسوگرایی در حوزه‌ی رفتار به همان ترتیب شامل نوع ۵ یا همان رفتار منحرفانه ۴۱/۹ و سپس رفتار مقلدانه با ۲۷/۴ بوده که بیشترین موارد مشاهده‌ی کرزن از دوسوگرایی روان‌شناختی را نشان می‌دهند؛ رفتار نوسانی و رفتار سازشکارانه به صورت برابر، ۱۴/۵ درصد را به خود اختصاص می‌دهند و کمترین مورد مشاهده‌ی کرزن از دوسوگرایی روان‌شناختی نوع ۴ یا همان رفتار ناهمیارانه است.

جدول شماره ۸. توزیع فراوانی و درصد انواع دوسوگرایی روان‌شناختی

انواع دوسوگرایی روان‌شناختی	دوسوگرایی در رفتار	فراوانی	درصد
رفتار نوسانی	مقرراتی بودن و بی‌بندوباری	۶	۵/۱
	همدردی و بی‌تفاوتی	۰	۰
	عشق و نفرت	۰	۰
	خوش‌سلوک و وحشی	۱	۰/۹
	ستنی و مدرن	۲	۱/۷
	جذب و دفع	۱	۰/۹
	رفتار شخصی و غیر شخصی	۱	۰/۹
	نقض عهد	۳	۲/۶
	تناقض نظر با عمل	۲	۱/۷
	خوشایندی و ناخوشایندی	۰	۰
	سایر	۱	۰/۹
	می‌گساری	۰	۰
	رفتار سازشکارانه (مداهمه).	غیبت	۸
احتکار		۰	۰
ریا		۰	۰
نزول		۱	۰/۹
قمار		۰	۰
کم‌فروشی		۰	۰
دروغ		۰	۰
قسم دروغ		۰	۰
ریا		۰	۰
مصلحت‌اندیشی		۳	۲/۶
رفتار ناهمیارانه	اظهار واقعیت - مبالغه و اغراق	۰	۰
	دورویی - روراستی	۰	۰
	تظاهر به فقر - ثروتمندی	۰	۰
	تقیه - انقلابی	۰	۰
	اظهار واقعیت - تظاهر	۱	۰/۹
	وطن پرستی - خودخواهی	۱	۰/۹
	بیگانه‌ستیزی - شیفتگی به پول	۰	۰
	اظهار واقعیت - تمارض	۰	۰
	راستگویی - دروغ	۰	۰
	درستکاری - زدوبند	۰	۰
رفتار منحرفانه	تملق و چاپلوسی	۶	۵/۱
	دروغ	۳	۲/۶

۱/۷	۲	خیانت	مقدار رفتار
۶/۸	۸	توطئه (مکر و نیرنگ)	
۲۰/۵	۲۴	رشوه	
۰	۰	مبالغه و اغراق	
۰	۰	تماز	
۰	۰	قسم دروغ	
۱/۷	۲	دورویی	
۰/۹	۱	نقض عهد	
۲/۶	۳	تظاهر	
۱۰/۳	۱۲	عناصر مادی فرهنگ	
۱۷/۱	۲۰	عناصر معنوی فرهنگ	
۱۰۰	۱۱۷	کل	

پیدا است که در میان رفتارهای حاکی از دوسوگرایی روان‌شناختی، لرد کرزن در میان ایرانیان بیش از هر چیز شاهد رشوه با ۲۴ مورد فراوانی و ۲۰/۵ درصد و تقلید از عناصر معنوی فرهنگ با ۲۰ مورد فراوانی و ۱۷/۱ درصد بوده است. بعد از این رفتارها تقلید از عناصر مادی فرهنگ با ۱۲ مورد فراوانی و ۱۰/۳ درصد بیشترین میزان دوسوگرایی را به خود اختصاص می‌دهد و توطئه و تملق و چاپلوسی هر یک به ترتیب با ۶/۸ و ۵/۱ درصد بعد از انواع دیگر قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۸.۸. دوسوگرایی در پایگاه‌های اصلی و فرعی بر حسب فراوانی درصد

پایگاه اصلی	پایگاه‌های فرعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
هیئت حاکمه	شاهان	۲۲	۱۸/۸	۱۸/۸
	نخبگان مرکزی حکومت	۳۷	۳۱/۶	۵۰/۴
	نخبگان محلی حکومت	۱۰	۸/۵	۵۹/۰
قشر متوسط	قشر متوسط رو به بالا	۱۸	۱۵/۴	۷۴/۴
	قشر متوسط رو به پایین	۲	۱/۷	۷۶/۱
قشر پایین	قشر پایین	۳	۲/۶	۷۸/۶
مقامات مذهبی	مقامات مذهبی	۱	۰/۹	۷۹/۵
ایرانیان	ایرانیان	۲۴	۲۰/۵	۱۰۰
زنان ایرانی	زنان عامه و معمولی	۰	۰	۱۰۰
	زنان منتسب به قشر بالا	۰	۰	۱۰۰
کل	کل	۱۱۷	۱۰۰	

در میان طبقات مختلف مورد مشاهدهی لرد کرزن، طبقه‌ی بالا و قشر نخبگان مرکزی حکومت با ۳۷ مورد فراوانی و ۳۱/۶ درصد بیشترین میزان دوسوگرایی در درون خود را داشته‌اند. ایرانیان به طور کلی با ۲۴ مورد فراوانی و ۲۰/۵ درصد، بعد از این قشر بیشترین میزان مشاهدهی دوسوگرایی از نگاه کرزن را به خود اختصاص می‌دهند و سپس شاهان و قشر متوسط رو به بالا، هر یک به ترتیب با ۱۸/۱ و ۱۵/۴ درصد دوسوگرایی، بیشترین میزان مشاهدهی دوسوگرایی توسط کرزن را داشته‌اند.

جدول شماره‌ی ۸ دوسوگرایی در عرصه‌ها بر حسب فراوانی درصد

عرصه‌ها	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
فرهنگی - سیاسی	۵۷	۴۸/۷	۴۸/۷
فرهنگی - اجتماعی	۱۷	۱۴/۵	۶۳/۲
فرهنگی - مذهبی	۱۷	۱۴/۵	۷۷/۸
اجتماعی - سیاسی	۵	۴/۳	۸۲/۱
فرهنگی - اقتصادی	۲	۱/۷	۸۳/۸
فرهنگی - سیاسی (سیاست خارجی)	۴	۳/۴	۸۷/۲
فرهنگی - نظامی	۱۵	۱۲/۸	۱۰۰
کل	۱۱۷	۱۰۰	

حضور کرزن در عرصه‌ی سیاست و در مرکز تحولات سیاسی ایران دوره‌ی ناصرالدین شاه، مشاهده‌ی او را از این عرصه با ۵۷ مورد فراوانی و ۴۸/۷ درصد بیش از سایر عرصه‌ها رقم زده است. دوسوگرایی در عرصه‌ی فرهنگی - اجتماعی و عرصه‌ی فرهنگی - مذهبی به صورت برابر با فراوانی ۱۷ و درصد ۱۴/۵ برابر مورد مشاهدهی کرزن واقع شده است. بعد از عرصه‌های بالا عرصه‌ی فرهنگی - نظامی با ۱۲/۸ درصد قرار دارد و پایین‌ترین میزان مشاهدهی دوسوگرایی کرزن مربوط به عرصه‌ی فرهنگی - اقتصادی با ۲ مورد فراوانی و ۱/۷ درصد است.

نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادها

هدف ما در این مقاله بررسی چشم‌انداز یک سفرنامه‌نویس خارجی به نام لرد کرزن بوده است که با در نظر گرفتن و نگاه به کشور خود به عنوان یک «خودی» به یک «دیگری» می‌نگرد

که همان مردم ایران، اقشار مختلف درون آن، رفتارها، خصوصیات و سکناات آن‌ها بوده است. با استفاده از این سفرنامه، به بررسی و نوع‌شناختی دوسوگرایی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دوره‌ای از سلطنت پنجاه ساله‌ی ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴.ه.ق؛ ۱۸۴۸م) با استفاده از نظریه‌ی دوسوگرایی جامعه‌شناختی رابرت مرتون پرداختیم. شناسایی این انواع در میان اقشار و طبقات مختلف و عرصه‌های مختلف صورت گرفت. مشاهدات لرد کرزن از این دوره به عنوان یک خبرنگار که در حال جمع‌آوری اطلاعات مختلف برای کشور متبوعش بود، نشان می‌دهد که از مجموع ۱۱۷ مورد دوسوگرایی مشاهده شده، نوع ۱ (انتظارهای هنجاری متناقض) با ۱۴/۵ درصد، نوع ۲ (تناقض ارزش‌ها در مجموعه‌ی پایگاهی) ۱۴/۵ درصد، نوع ۴ (ناسازگاری ارزش‌های فرهنگی) با ۱/۷ درصد، نوع ۵ (تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی) با ۴۱/۹ درصد، نوع ۶ (تفاوت و تعارض ارزش‌های فرهنگی) با ۲۷/۴ درصد، دوسوگرایی جامعه‌شناختی سلطنت قاجار را در دوره‌ی مربوط به ناصرالدین شاه قاجار در زمان حضور کرزن، تشکیل می‌دهند. از آنجا که برون‌داد دوسوگرایی جامعه‌شناختی، دوسوگرایی روان‌شناختی است، از مجموع ۱۱۷ مورد مشاهده شده رفتار نوسانی با ۱۴/۵ درصد، رفتار سازشکارانه با ۱۴/۵ درصد، رفتار ناهمیارانه با ۱/۷ درصد، رفتار منحرفانه با ۴۱/۹ درصد و رفتار مقلدانه با ۲۷/۴ درصد دوسوگرایی روان‌شناختی این سه دوره را تشکیل می‌دهند. یافته‌ها نشان می‌دهند که نوع ۳ دوسوگرایی (تعارض نقش‌ها) توسط کرزن مشاهده نشده است. نتایج حاکی از آن است که از مجموع ۱۱۷ مورد دوسوگرایی جامعه‌شناختی، نوع ۵ دوسوگرایی جامعه‌شناختی یعنی تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی، با ۴۹ مورد فراوانی و ۴۱/۹ درصد بیشترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد که به تبع آن «رفتار منحرفانه» با ۴۱/۹ درصد بیشترین میزان دوسوگرایی روان‌شناختی را دارد. بعد از این نوع، بیشترین میزان فراوانی و درصد به نوع ۶ یا تفاوت و تعارض ارزش‌های فرهنگی با ۳۲ مورد و ۲۷/۴ درصد برمی‌گردد و به تبع آن «رفتار مقلدانه»، با ۳۲ مورد فراوانی و ۲۷/۴ درصد بیشترین میزان را در میان انواع مختلف دوسوگرایی روان‌شناختی به خود اختصاص می‌دهد. سپس نوع ۱، «انتظارهای هنجاری متناقض» و نوع ۲، «تناقض ارزش در مجموعه‌ی پایگاهی» به طور برابر با ۱۷ مورد فراوانی و ۱۴/۵ درصد بعد از انواع دیگر قرار

می‌گیرند و « ناسازگاری ارزش‌های فرهنگی » یا نوع ۴ دوسوگرایی جامعه‌شناختی با ۲ مورد فراوانی و ۱/۷ درصد کمترین میزان دوسوگرایی جامعه‌شناختی و به تبع آن رفتار ناهمیارانه را دارد. در توجیه این امر می‌توان بر درصدهایی از انواع رفتارهای دوسوگرا تمرکز کرد که دوسوگرایی جامعه‌شناختی عامل آن‌ها است. همان‌طور که از نتایج برمی‌آید، در میان رفتار منحرفانه، رشوه با ۲۴ مورد فراوانی و ۲۰/۵ درصد بیشترین میزان را در میان انواع رفتارها به خود اختصاص داده است و بعد از آن تقلید از عناصر معنوی فرهنگ با ۲۰ مورد فراوانی و ۱۷/۱ درصد و تقلید از عناصر مادی فرهنگ با ۱۷ مورد فراوانی و ۱۰/۲ درصد بیشترین میزان را بعد از رفتارهای منحرفانه به خود اختصاص می‌دهند. توطئه با ۶/۸ درصد و تملق و چاپلوسی با ۵/۱ درصد بعد از موارد دیگر بیشترین میزان را به خود اختصاص می‌دهند که این دو نیز از مجموعه رفتارهای منحرفانه هستند. در توجیه این نگاه می‌توان این‌گونه استدلال کرد که به دلیل ساختار متصلب در این دوره، اعضای که در محدوده‌های اقماری منظومه قدرت هستند، به دلیل کمبودهای کارکردی منابع مشروع، از منابع نامشروع کارکردی که جذابیت بیشتری برای رسیدن به اهدافشان دارد استفاده می‌کنند و برای نزدیک‌تر شدن به مرکز منظومه (شاهان) و در نتیجه، رسیدن به اهداف خاص خود، رفتارهای دوسوگرایانه را پیش می‌گیرند و کم‌کم رفتارهای نوسانی، رفتارهای سازشکارانه، رفتارهای ناهمیارانه، رفتارهای منحرفانه و رفتارهای مقلدانه توسعه و گسترش بیشتری در میان توده‌ی جامعه پیدا می‌کند که همگی تحت تأثیر دوسوگرایی جامعه‌شناختی به وجود آمده و در بافت ساختارهای هنجاری تنیده شده‌اند.

در نگاهی که به پایگاه‌ها و طبقات عصر قاجار می‌کنیم، متوجه می‌شویم که طبقه‌ی بالا یا همان هیئت حاکمه بیشترین میزان مشاهده‌ی دوسوگرایی را با ۵۹/۰ درصد به خود اختصاص داده است که در میان آن‌ها قشر نخبگان مرکزی با ۳۷ مورد فراوانی و ۳۱/۶ بیشترین میزان مشاهده توسط کرزن را داشته است. بعد از مورد ایرانیان که کرزن به طور اختصاصی در سفرنامه‌اش از آن‌ها یاد کرده است و با ۲۴ مورد فراوانی، ۲۰/۵ درصد را به خود اختصاص داده‌اند، شاهان از طبقه‌ی بالا و قشر متوسط رو به بالا از طبقه‌ی متوسط به ترتیب با ۱۸/۸ و ۱۵/۴ درصد بیشترین موارد مشاهده‌ی کرزن از دوسوگرایی را در میان خود دارند.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، کرزن با هیچ مورد دوسوگرایی در میان زنان برخورد نداشته است که این امر، خود نشان‌دهنده‌ی ارتباط بسیار کم با آن‌ها و از آن مهم‌تر، عدم نیاز به اطلاع‌یابی از آنان بوده است. به این ترتیب هر قدر فاصله‌ی اقشار و پایگاه‌ها از رأس هرم قدرت در سلطنت قاجار کمتر می‌شود، به همان نسبت به میزان دوسوگرایی‌ها افزوده می‌شود، چنانکه قشر نخبگان مرکزی حکومت با داشتن کمترین فاصله از رأس هرم قدرت (شاهان) بیشترین میزان دوسوگرایی‌ها را داشته‌اند؛ اما در این میان دوسوگرایی مشاهده شده در میان نخبگان مرکزی و شاهان، به این دلیل است که کرزن برای کسب اطلاعات سیاسی برای کشور متبوعش مرادات بیشتری با این قشر در جامعه‌ی ایرانی داشته است. با این حال نباید فراموش کرد که کرزن در کسوت یک خبرنگار به ایران سفر کرده و همین امر می‌طلبد که اطلاعات خود را از توده مردم بیشتر کند؛ به این ترتیب کرزن بعد از این قشر بیشترین آمار مشاهده‌ی دوسوگرایی را در میان ایرانیان به طور کلی و همچنین قشر متوسط داشته است. همان‌طور که گفتیم، کرزن در مسند خبرنگار روزنامه‌ی سیاسی تایمز، در دورانی که انگلستان بیش از پیش در پی دستیابی به اطلاعات، به خصوص در زمینه‌ی سیاسی از ایران است و چنانکه خود بیان می‌کند، برای جمع‌آوری اطلاعات برای مخاطبانی که عمدتاً استراتژیست‌ها و برنامه‌ریزان سیاسی انگلستان هستند و از طرفی با هدف به قدرت رساندن انگلستان، نه در جزیره‌ای کوچک، بلکه از طریق کسب منافع بی‌شمار در کشورهای شرقی نظیر ایران و هند، وارد سرزمین ما شده است و چنانکه کتاب وی نشان می‌دهد در جمع‌آوری چنین اطلاعات و استفاده از آن‌ها در دوره‌های گوناگون مسندهای سیاسی‌اش موفق بوده است. به این ترتیب بیشترین عرصه‌ی حضور و مشاهده‌ی او از دوسوگرایی در عرصه‌ی فرهنگی - سیاسی با ۵۷ مورد فراوانی و ۴۸/۷ درصد است. در همین راستا نمی‌توان رابطه‌ی حوزه‌ی سیاست را با طبیعت و ویژگی‌های مردمان یک کشور در نظر نگرفت، به همین دلیل بعد از این عرصه، بیشترین میزان مشاهده‌ی کرزن از دوسوگرایی در میان دو عرصه‌ی فرهنگی - اجتماعی و فرهنگی - مذهبی است که به طور مساوی ۱۴/۸ درصد از مشاهدات را به خود اختصاص می‌دهند.

در نهایت

کرزن در سفرنامه‌اش چنانکه خود می‌گوید در قالب شرق‌شناس، هویتی از ایرانیان را در قالب یک «دیگری» نه تنها به سردمداران انگلیسی با اهداف خاص استعماری، بلکه به خود ایرانیان می‌شناساند؛ اگر چه بسیاری از اطلاعاتی که کرزن از ایران جمع‌آوری کرده است در دوره‌ی دیگر زندگی سیاسی‌اش برای اهداف خاص استعماری انگلستان بسیار کارآمد بوده است و در این وجه می‌توان او را شرق‌شناسی در نظر گرفت که از دیدگاه یک «خودی» (انگلستان) با هویتی معتبر از «دیگری» (ایران) که آن را فروتر و با هویتی بی‌اعتبار می‌نگرد عمل می‌کند و این امر را در جملات متعدد در کتابش و اهدافی که آن‌ها را به صراحت به زبان می‌آورد می‌توان دید.

بر اساس این سفرنامه و در چالش با گزارش‌های بسیاری از مورخان و نویسندگان و طبق رویکرد مرتون مشخص می‌شود که در دوره‌ی ناصرالدین شاه، ساختار قدرت سیاسی در سطح کلان مهم‌ترین عامل برای وارد کردن فشار بر اقشار مختلف جامعه بوده است که خود را برای رسیدن به منافع، در تناقض میان استفاده از منابع مشروع و نامشروع می‌بینند. تحت وجود چنین شرایطی است که مرتون از مفهوم دوسوگرایی جامعه‌شناختی مدد گرفته و معتقد است «طیفی از انتخاب‌ها» در مقابل شخص قرار می‌گیرد که این انتخاب‌ها از نظر ساختار اجتماعی محدود شده است، چنانکه افراد از یک طرف، تحت تأثیر ارزش‌هایی قرار دارند که تأکید بر انتخاب اهداف و وسایل مشروع دارد و از طرف دیگر، با محدودیت کسب منابع مشروع برای رسیدن به اهداف مواجه هستند. در این وضعیت است که افراد، به خصوص کسانی که به رأس هرم قدرت نزدیک‌ترند، در معرض فشارهای چندجانبه و همه‌سویه از جانب ساختار اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرند و دوسوگرایی بر نقش - رفتارهای آنان مستولی می‌شود و انواع دوسوگرایی جامعه‌شناختی که منجر به شیوع رفتارهای دوگانه می‌شود، ابتدا در رأس هرم قدرت و سپس در قاعده‌ی هرم هویدا می‌شود؛ به این ترتیب ایران دوره‌ی ناصری از لابه‌لای سفرنامه‌ی وی قابل تأمل می‌شود و باید از اطلاعات آن در جهت کشف تمامی طبایع متضاد خود مدد بگیریم و بیشتر به خودشناسی پردازیم. این نکته زمانی اهمیت بیشتر می‌یابد که بدانیم کرزن چنانکه خود اذعان دارد برای خوشامد دیگران به نگارش این اثر پرداخته، بلکه قصد وی بیشتر قرار دادن اطلاعات

سیاسی و راهبردی فراروی سیاستمداران و برنامه‌ریزان انگلیسی بوده است. به این ترتیب شرق‌شناسی می‌تواند دارای دو وجه باشد که هر کشور که در قالب یک دیگری که از نگاه یک خود غریبه به تصویر کشیده می‌شود، می‌تواند از آن برای شناخت بهتر و پی بردن به نقاط ضعف خود استفاده کند، اگرچه همیشه باید جانب احتیاط را در برخورد با کسانی که از فرهنگی غریبه و بدون اطلاع کافی از فرهنگ کشور مبدأ به ارائه‌ی افاضات می‌پردازند رعایت کرد. در پایان پیشنهاد می‌کنیم پژوهشی در خصوص دوسوگرایی جامعه‌شناختی از نگاه سفرنامه‌نویسان ایرانی دوره‌ی قاجار نیز صورت گیرد. چنین پژوهشی علاوه بر اینکه در پی بردن به صحت و سقم مشاهدات سفرنامه‌نویسان خارجی بسیار مفید است، در شناخت بسیاری از غرض‌ورزی‌هایی که بیگانگان در بیان مطالبشان نسبت به ایرانیان روا داشته‌اند، مطلوب است و زمینه‌ی مقایسه‌ی دو دیدگاه ایرانی و خارجی را فراهم می‌آورد.

منابع

- آبادیان، حسین. (۱۳۸۳). *بحران مشروطیت در ایران*. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ابوترابی، محسن. (۱۳۷۸). *هنرهای تجسمی*. ترجمه‌ی نسیم مهر تبار. *نشریه‌ی فرهنگ و هنر*. ش ۶. صص ۱۵۲ تا ۱۶۱.
- اتکینسون و دیگران. (۱۳۸۸). *روانشناسی هیلگارد*. ترجمه‌ی مهدی معینی‌الدین و دیگران. تهران: رشد.
- اسناد وزارت امور خارجه. (۱۳۷۰). *لرد کرزن در خلیج فارس بر پایه‌ی اسناد وزارت امور خارجه*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
- انصاف پور، غلام‌رضا. (۱۳۶۳). *ایران و ایرانی به تحقیق در صد سفرنامه دوران قاجاریه*. تهران: کتابفروشی زوار.
- اورسل، ارنست. (۱۳۵۳). *سفرنامه‌ی اورسل*. ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی. تهران: طاووس.
- باندروا، آلبرت. (۱۳۷۲). *نظریه‌ی یادگیری اجتماعی*. ترجمه‌ی فرهاد ماهر. تهران: راهگشا.

- بی، ارل. (۱۳۸۱). **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**. ترجمه‌ی رضا فاضل. ج ۱ و ۲. تهران: سمت.
- بل، گرتروود. (۱۳۶۳). **تصویرهایی از ایران**. ترجمه‌ی بزرگمهر ریاحی. تهران: خوارزمی.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۱). **نظریه‌ی کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی**. ترجمه‌ی مرتضی مردیها. تهران: نقش و نگار.
- بیشوب، ایزابلا. (۱۳۷۵). **از بیستون تا زردکوه بختیاری**. ترجمه‌ی مه‌راب امیری. تهران: آنزاد.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). **سفرنامه‌ی پولاک «ایران و ایرانیان»**. ترجمه‌ی کیکاووس جهان‌داری. تهران: خوارزمی.
- جمیلی کهنه شهری، فاطمه. (۱۳۸۲). **آمبی والانس جامعه شناختی، وابستگی مقابل فرد و گروه و اجتناب از توصیه‌های بهداشتی**. رساله‌ی دکتری به راهنمایی محمد ابراهیم موحدی. دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- جوادی یگانه، محمدرضا و سید ضیاء هاشمی. (۱۳۸۴). «تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دوراهی اجتماعی) و عوامل مؤثر بر آن». **نامه‌ی علوم اجتماعی**. ش ۲۶. دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جوادی یگانه، محمدرضا. (۱۳۹۰). «شهر اسلامی و بیگانگان: تعامل ایرانیان و غیرمسلمانان از منظر سفرنامه‌های فرنگیان». **مجموعه مقالات همایش شهر اسلامی - ایرانی: گذشته، حال، آینده**. مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و معاونت خدمات شهری شهرداری.
- چلبی، مسعود و اعظم آزاده، منصوره. (۱۳۷۹). «فقدان تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی و پیامدهای روانی و اجتماعی آن». **نامه‌ی علوم اجتماعی**. ش ۱۶. صص ۳۱ - ۶۲.
- حکیمی، محمود. (۱۳۸۶). **تاریخ معاصر ایران (قاجاریه)**. تهران: نامک.
- دارندورف، رالف. (۱۳۷۷). **انسان اجتماعی: جستاری در باب تاریخچه، معنا و مقوله‌ی نقش اجتماعی**. تهران: نشرنی.
- ذوقی، ایرج. (۱۳۶۸). **تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ**. ج ۱. تهران: پاژنگ.

- راوردراد، اعظم. (۱۳۸۳). «مقایسه‌ی نقش شغلی زنان و مردان متخصص». *پژوهش زنان*. س ۲. ش ۲. دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- رایت، دنيسن. (۱۳۸۵). *ایرانیان در میان انگلیسی‌ها*. ترجمه‌ی کریم امامی. تهران: فرزانه.
- رایس، کلارا کولیور. (۱۳۸۳). *سفرنامه‌ی کلارا کولیور رایس «زنان ایرانی و...»*. ترجمه‌ی اسدا... آزاد. تهران: کتابدار.
- رایف، دانیل، استیفن لیس و فردریک جی فیکو. (۱۳۸۱). *کاربرد تحلیل محتوایی کمی در تحقیق*. ترجمه‌ی مهدوخت بروجردی علمی. تهران: سروش.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۷۲). *زمینه‌ی فرهنگ شناسی*. تهران: عطار.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۷). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۳). «آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)». تهران: آوای نور.
- سعید، ادوارد. (۱۳۷۱). *شرق‌شناسی*. ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سو، الوین. (۱۳۸۸). *تغییر اجتماعی و توسعه*. ترجمه‌ی محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- سیدان، فریبا. (۱۳۸۳). «چندگانگی پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان و بیماری‌های روانی». *پژوهش زنان*. ش ۳. دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- شیخ‌الاسلامی، جواد. (۱۳۶۸). *خاطرات احتشام السلطنه*. تهران: دانش.
- شیل، لیدی. (۱۳۶۲). *خاطرات همسر وزیر مختار انگلیس به دربار ایران*. ترجمه‌ی حسین ابوترابیان. تهران: نو.
- صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: سمت.

- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۶). *سلسله مباحث مربوط به روحيات ایرانیان*. جلسات ۱ تا ۲۲. تهران: بنیاد فرهنگی بازرگان.
- فقیه حقانی، موسی و موسی نجفی. (۱۳۸۷). *تاریخ تحولات سیاسی ایران*. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۸). «بابل واژگون». *فصلنامه‌ی مترجم*. س ۸، ش ۴۸.
- فوران، جان. (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده*. ترجمه‌ی احمد تدین. تهران: رسا.
- فوروکاوا، توبیوشی. (۱۳۸۴). *سفرنامه‌ی فوروکاوا*. ترجمه‌ی کنیچی تیه اورا و هاشم رجب زاده. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کارلاسرنا. (۱۳۶۳). *سفرنامه‌ی مادام کارلاسرنا «مردم و دیدنی‌های ایران»*. ترجمه‌ی غلامرضا سمیعی. تهران: نو.
- کدی، نیکی. (۱۳۷۵). *ریشه‌های انقلاب ایران*. ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی. ج ۱ و ۲. تهران: علمی فرهنگی قدس.
- کریپندورف، کلوس. (۱۳۸۳). *تحلیل محتوای کیفی: مبانی روش شناسی*. ترجمه‌ی هوشنگ نایی. تهران: نی.
- ریوفت، رحیم. (۱۳۷۵). «راه نیافتن باورها به حوزه‌ی کنش و هنجارها». *نشریه‌ی فلسفه، کلام و عرفان*. ش ۶. صص ۳۴۶ - ۳۶۲.
- کریمی، کیومرث، بشارت، محمدعلی و عباس رحیمی نژاد. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و ابعاد شخصیت». *نشریه‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*. د ۲، ش ۳۷. صص ۳۶-۵۵.
- کریمی، کیومرث. (۱۳۸۴). «بررسی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و ابعاد شخصیت». *مجله‌ی روان‌شناختی و علوم تربیتی*. ش ۲.

- کوزر، لويس آلفرد و برنارد روزنبرگ. (۱۳۷۸). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*. ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- کوزر، لويس. (۱۳۷۷). *زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناختی*. ترجمه‌ی محسن محلائی. تهران: علمی.
- گروترز، چارلز. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی مرتون*. ترجمه‌ی زهره کسائی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- گوینو، ژوزف آرتور. (۱۳۸۷). *سه سال در ایران*. ترجمه‌ی ذبیح‌الله منصوری. تهران: نگارستان کتاب.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناختی آمریکایی*. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- (۱۳۷۸). *تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه‌ی ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- لمبتون، کاترین سوین آن. (۱۳۶۲). *مالک و زراع در ایران*. ترجمه‌ی منوچهر امیری. تهران: علمی فرهنگی.
- (۱۳۷۵). *ایران عصر قاجار*. ترجمه‌ی سیمین فصیحی. تهران: جاودان‌فرد.
- (۱۳۷۹). *نظریه‌ی دولت در ایران*. ترجمه‌ی چنگیز پهلوان. تهران: آزاد.
- مارکس، کارل و انگلس. (۱۳۸۸). *مانیفست حزب کمونیست*. ترجمه‌ی مسعود صابری. تهران: طلاسه پرستو.
- مارکس، کارل. (۱۳۸۷). *دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴*. ترجمه‌ی حسن مرتضوی. تهران: آگه.
- (۱۳۸۸). *نقدی بر اقتصاد سیاسی*. ترجمه‌ی حسن مرتضوی. تهران: آگه.

- محسنی، علیرضا و فریبا سیدان. (۱۳۸۳). «بررسی منشاء اجتماعی بیماری های افسردگی زنان». **پژوهش زنان**. د ۲. ش ۲. صص ۸۹-۱۰۲.
- محسنی، منوچهر و فریبا سیدان. (۱۳۸۳). «بررسی منشاء اجتماعی بیماری های افسردگی زنان». **پژوهش زنان**. دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ش ۲.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۲). **بررسی آگاهی، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران**. تهران: وزارت فرهنگ.
- محمدی، مجید. (۱۳۷۵). **احیای دین؛ تصورات و دوگانگی‌ها**. تهران: کیان. ش ۳۰. صص ۲۴-۳۱.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
- مکبن روز، الیزابت. (۱۳۷۳). **با من به سرزمین بختیاری بیایید**. ترجمه‌ی مهرباب امیری. تهران: آنزان.
- منصور، محمود و پریرخ دادستان. (۱۳۷۵). **دیدگاه پیازه در گستره‌ی تحول روانی**. تهران: بعثت.
- منصور، محمود. (۱۳۷۸). **روان‌شناختی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری**. تهران: سمت.
- نائیان، جلیل. (۱۳۷۲). **روابط ایران با دول خارجی در دوران قاجاریه**. تهران: فردابه.
- نراقی، حسن. (۱۳۸۳). **جامعه‌شناختی خودمانی**. تهران: اختران.
- نفیسی، سعید. (۱۳۶۴). **تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر**. تهران: بنیاد.
- نیکلسون، هارولد. (۱۳۸۰). **آخرین روزهای زندگی سیاسی کرزن**. ترجمه‌ی اصغر قراگزلو. تهران: مؤسسه‌ی تاریخ معاصر ایران.
- وبر، ماکس. (۱۳۷۱). **اخلاق پرستان و روح سرمایه‌داری**. ترجمه‌ی عبدالمعبود انصاری. تهران: سمت.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۷). **دین، قدرت، جامعه**. ترجمه‌ی احمد تدین. تهران: هرمس.
- هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۷). **فرهنگ فقه، مطابق مذهب اهل بیت علیه السلام**. قم: موسسه‌ی دائره‌المعارف.

- هولستی، ال. ار. (۱۳۷۳). *تحلیل محتوی در علوم اجتماعی و انسانی*. ترجمه‌ی نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه تهران.
- وین، آنتونی. (۱۳۸۳). *ایران در بازی بزرگ*. ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: پیکان.
- Breiner, Maryjo, W.G.K Stri Zek, A.R.Long , *Approaching aidance, Alchol Research & Health*
- Cocker ham, William G(ED).(2001). *The Blac well companion to Medical sociology*. Oxford:Blackwell publeshers Ltd.
- Connidis, Ingrid Arnet & Mc Mullin (2002). *Sociological ambivalence & Family ties: a - critical perspective*, jornal of Marriage & family
- Coser, Rose Laud (1966). *Role distance , sociological ambivalence and transitional status*, American jornal af sociology.
- Fingerman, K. L., Hay, E. L. and Birditt, K. S. (2004). *The Best of Ties, the Worst of Ties: Close, Problematic, and Ambivalent Social Relationships*. *Journal of Marriage and Family*, 66: 792-808
- Fingerman,KiRa S.Birditt(2004)., *The best problematic, and Ambivalent social at marriage and family*. *Giving to Beggars'Sociological Research Online*, vol. 5, no. 1 ,
- Bauman, Zygmunt , (1991). *Midernity & Ambivalence in prison*.David price
- Hughes, Everett G.1945, *Dilemmas & contradictions of status*, In: R.K.Merton (1976).
- Ian McIntosh and Angus Erskine (2000). *"Money for nothing"?: Understanding library*.ut.ac.ir

- Merton,Robert K (1976). *Sociological Ambivalence & other Essays* N.Y:
- Merton,Robert K(1957). *Social theory & social structure* N.Y.:the free press.
- Merton,Robert K(1959). *Social conformity, deviation & opportunity structures* In: R.K. Merton(po.cit).110
- Ory, Marica G & D. M Cox. 1994, *Forging ahead: Linking health and behavior to improve quality at life in older people*, social Indicators Academia publisher.
- Oxford English dictionary. 1989.
- Roginsky, Dina(2006). 'Nationalism and ambivalence: ethnicity, gender and folklore as categories of otherness', *Patterns of Prejudice*, 40: 3, 237 — 258
- Sharma,R.O(1992).(ed).*Encyclopedic Dictionary of sociology*. New Delh:Anmo publications.,
- Smelser. Neil, (1998)., *The rational and Ambivalence in the social science*, American sociological Review.
the free press
- Weingardt,Kenneth R(2000). *viewing Ambivalence from a sociological perspective: Implications for psychotherapist*, psychotherapy volume 37 Number4.
- Willson, A. E., Shuey, K. M. and Elder, G. H(2003)., *Ambivalence in the Relationship of Adult Children to Aging Parents and In-Laws*. *Journal of Marriage and Family*, 65: 1055–1072